

شاخص شامخ، کاهش تولید را نشان می‌دهد

شاخص مدیران خرید کل اقتصاد به زیر مرز ۵۰ سقوط کرد و نشان داد رکود دیگر مقطعی نیست و فعالیت‌ها در همه بخش‌ها با کاهش محسوس مواجه شده‌اند



منتشر شده، نشان می‌دهد اقتصاد کشور در دی‌ماه همچنان در حصار رکود عمیق گرفتار است. شاخص کل اقتصاد پس از تعدیل فصلی به ۴۳.۴ رسیده و برای بیست‌ودومین ماه پیاپی زیر مرز خنثی ۵۰ باقی‌مانده است؛ نشانه‌ای که حکایت از تثبیت رکود در ساختار فضای کسب‌وکار دارد. کاهش هم‌زمان تولید، سفارشات جدید، استخدام و موجودی مواد اولیه، تصویر واضحی از افت فراگیر فعالیت‌ها ارائه می‌کند. در میان این مؤلفه‌ها، افت سفارشات جدید مشتریان به عدد ۳۶.۵ سقوط کرده، کمترین سطح در ۷۰ ماه گذشته، که نشان‌دهنده فشار شدید سمت تقاضا و محدودیت مصرف خانوارهاست. افزایش مداوم قیمت‌ها و نااطمینانی اقتصادی، بسیاری از بنگاه‌ها را با کاهش جدی جریان سفارش‌ها مواجه ساخته و روند تولید و اشتغال را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار داده است. بخش تولید نیز وضعیت مشابهی دارد؛ شاخص تولید کالا و خدمات به ۴۴.۳ رسیده و برای ماه‌های متوالی زیر ۵۰ باقی‌مانده است. کمبود مواد اولیه، دشواری تأمین ارز و محدودیت سرمایه در گردش از جمله موانع اصلی تولید به‌شمار می‌روند. هم‌زمان، جهش نرخ ارز هزینه تأمین نهاده‌ها را به

شدت افزایش داده و بسیاری از واحدها ناچار به ادامه تولید با حداقل موجودی انبار شده‌اند؛ موضوعی که خطر وقفه در خطوط تولید و تشدید فشار بر بخش صنعت را به‌روشنی آشکار می‌کند.

بازار کار در فشار مستمر

بازار کار کشور در دی‌ماه نیز از فشارهای رکود و تورم بی‌نصیب نمانده است. شاخص استخدام و به‌کارگیری نیروی انسانی برای هشتمین ماه متوالی زیر سطح خنثی قرار گرفته و بنگاه‌ها، به‌منظور کنترل هزینه‌ها، از جذب نیروی جدید خودداری کرده یا به تعدیل نیرو روی آورده‌اند. استمرار این روند، نه‌تنها خطر افزایش بیکاری را تشدید می‌کند، بلکه توان خرید خانوارها را نیز کاهش داده و حلقه رکود اقتصادی را مستحکم‌تر می‌سازد. هم‌زمان، شاخص موجودی مواد اولیه برای چهاردهمین ماه متوالی کاهش یافته و نشان می‌دهد مشکل محدود به یک شوک کوتاه‌مدت نیست؛ زنجیره تأمین با اختلالات ساختاری و طولانی‌مدت مواجه شده است. افزایش قیمت نهاده‌ها، انحصار در عرضه برخی مواد اولیه و دشواری‌های ثبت سفارش، موانع اصلی تولید هستند. برخی بنگاه‌ها گزارش داده‌اند

که حتی با دریافت ارز تخصیصی، جهش ناگهانی نرخ ارز بازپرداخت تعهدات ارزی را به بحرانی نقدینگی تبدیل کرده است. فشار هزینه‌ای ناشی از این وضعیت به بازار مصرف منتقل شده و شاخص قیمت مواد اولیه به بالاترین سطح چهار سال اخیر رسیده است؛ در پی آن، شاخص قیمت محصولات تولیدشده نیز رکورد تازه‌ای ثبت کرده است. این انتقال هزینه، اگرچه برای بقای بنگاه‌ها و جریان بخشی از افزایش مخارج تولید ضروری بوده، اما مصرف و تقاضا را محدود کرده و رکود تورمی را عمیق‌تر ساخته است؛ وضعیتی که در آن تولید کاهش می‌یابد، اما سطح عمومی قیمت‌ها همچنان بالا باقی می‌ماند و اقتصاد را در چرخه‌ای معیوب گرفتار کرده است.

کاهش مجدد تولیدات صنعتی

بخش صنعت در دی‌ماه ۱۴۰۴ با چالشی عمیق و چندلایه روبه‌رو بوده است؛ شاخص مدیران خرید صنعت به ۴۳.۰ سقوط کرده که پایین‌ترین سطح در هفت ماه اخیر محسوب می‌شود و نشان می‌دهد تولید صنعتی برای دهمین بار طی یک سال گذشته کاهش یافته است.

بسیاری از صنایع با ظرفیت پایین فعالیت می‌کنند و کاهش سفارشات جدید و افت فروش محصولات بیانگر آن است که مشکل فراتر از هزینه‌های تولید و محدودیت سرمایه در گردش است و بازار مصرف داخلی و خارجی کشتش لازم را ندارد. صادرات برای پانزدهمین ماه متوالی در محدوده رکودی قرار داشته و اختلالات ارتباطی در نیمه دوم دی‌ماه، فشار بر تجارت خارجی را تشدید کرده است.

شاخص انتظارات تولید برای ماه آینده نیز کمترین سطح خود در کل دوره اجرا را نشان می‌دهد و فضای ذهنی مدیران صنعتی را به‌شدت بدبینانه ثبت کرده است؛ بسیاری از بنگاه‌ها نسبت به کاهش بیشتر تولید، دشواری تأمین مالی و حتی خطر تعطیلی هشدار داده‌اند. تحلیل روند شامخ در سال‌های اخیر نشان می‌دهد این شاخص می‌تواند پیش‌نگری مؤثری از تحولات فصلی اقتصاد ارائه دهد. افت گسترده مؤلفه‌ها، هشدار صریح درباره آینده تولید و سرمایه‌گذاری است و نشان می‌دهد بدون ثبات در بازار ارز، تسهیل دسترسی به سرمایه در گردش و کاهش نااطمینانی‌های سیاستی، رکود فعلی نه‌تنها ادامه خواهد یافت، بلکه ممکن است به رکودی طولانی‌مدت و ساختاری بدل شود. این شرایط، به‌روشنی بر لزوم مداخلات هدفمند و تدابیر حمایتی فوری برای تثبیت تولید، حفاظت از اشتغال و جلوگیری از تشدید رکود صنعتی تأکید دارد.

در دی‌ماه ۱۴۰۴، فضای کسب‌وکار کشور با هم‌زمانی رکود عمیق و تورم فزاینده تحت فشار بی‌سابقه‌ای قرار گرفت؛ بنگاه‌ها در میانه کاهش محسوس تقاضا و جریان محدود سفارش‌ها، با جهش هزینه‌های تولید، بی‌ثباتی نرخ ارز و محدودیت شدید نقدینگی دست‌وپنجه نرم کردند. شاخص مدیران خرید (شامخ) به‌روشنی شدت این فشارها را منعکس می‌کند و نشان می‌دهد رکود دیگر محدود به یک بخش یا بازه زمانی کوتاه نیست، بلکه به روندی فراگیر و ساختاری در اقتصاد بدل شده است. کاهش تولید، افت فروش و دشواری در تأمین مواد اولیه، هم‌زمان با تیره‌تر شدن انتظارات فعالان اقتصادی، تصویری از بی‌اعتمادی گسترده نسبت به آینده ارائه می‌کند. این ترکیب از فشارهای هزینه‌ای و محدودیت تقاضا، نه‌تنها ادامه رکود را محتمل می‌سازد، بلکه هشدار روشنی نسبت به پیامدهای بلندمدت و پیچیدگی بحران اقتصادی پیش‌رو ارائه می‌دهد.

رکود و فشار بر صنعت

تازه‌ترین داده‌های شاخص مدیران خرید (شامخ) که از سوی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

بی‌ثباتی بازار مسکن پیامد کاهش پروانه‌هاست

کاهش صدور پروانه‌های ساختمانی و کندی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، هشدار جدی برای آینده عرضه مسکن و وضعیت اقتصادی کشور است

بازار ساخت‌وساز کشور در سال جاری با رکودی جدی روبه‌رو شده که نشانه‌های آن در کاهش چشمگیر صدور پروانه‌های ساختمانی و کندی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نمایان است. تازه‌ترین آمار مرکز آمار ایران نشان می‌دهد در تابستان ۱۴۰۴ تنها ۲۳ هزار و ۱۱۱ فقره پروانه ساختمانی در مناطق شهری صادر شده که نسبت به تابستان سال گذشته ۳۱.۸ درصد کاهش دارد. این کاهش شدید فصلی، یکی از بارزترین افت‌های دهه اخیر است و گویای کاهش انگیزه سازندگان برای آغاز پروژه‌های جدید و نشانه‌ای روشن از ورود بازار به مرحله‌ای عمیق‌تر از رکود است.

رکود پایدار در ساخت‌وساز

بازار ساخت‌وساز کشور در سال جاری، پس از کاهش ۲۲.۶ درصدی صدور پروانه‌های ساختمانی در بهار ۱۴۰۴، برای دومین فصل پیاپی با روند نزولی مواجه شده و چشم‌انداز عرضه واحدهای مسکونی جدید را با ابهام جدی روبه‌رو کرده است. بررسی داده‌های بلندمدت نشان می‌دهد که این بخش طی دهه گذشته فراز و فرودهای قابل توجهی داشته است؛ در سال ۱۳۹۴ حدود ۱۳۱ هزار و ۶۵۱ فقره پروانه صادر شد که ۲.۵ درصد کمتر از سال قبل بود و در سال‌های بعد با نوسان میان رشد و افت همراه شد، به‌گونه‌ای که سال ۱۴۰۰ کاهش ۲۶.۲ درصدی و سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ رشد محدود ۰.۷ و ۸.۴ درصدی ثبت شد. سال ۱۴۰۳ نیز بار دیگر ۳.۲ درصد کاهش دیده شد، نشانه‌ای از وابستگی شدید بازار به شرایط کلان اقتصادی، انتظارات تورمی و تأمین مالی. در مقیاس فصلی، بی‌ثباتی این بخش بیشتر آشکار است؛ تابستان

۱۴۰۳ صدور ۳۳ هزار و ۸۹۰ پروانه و رشد ۳۲.۲ درصدی ثبت شد، اما پاییز همان سال با کاهش ۲۵ درصدی به ۳۱ هزار و ۸۰۱ رسید و زمستان با ۴۱ هزار و ۸۲۲ فقره پروانه، کاهش ۲۰.۵ درصدی تجربه کرد. افت شدید تابستان ۱۴۰۴ گویای ورود رکود ساختمانی به مرحله‌ای عمیق‌تر است.

روند سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نیز نشانه‌های کاهش شتاب فعالیت‌ها را نشان می‌دهد. هرچند سرمایه‌گذاری اسمی از ۶۰۲.۲ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۹۵ به ۱۲ هزار و ۱۵۹.۷ هزار میلیارد ریال در سال ۱۴۰۳ افزایش یافته است، اما داده‌های فصلی تصویر متفاوتی ارائه می‌دهند؛ سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در زمستان ۱۴۰۳ حدود ۳۴۱ همت بود، اما در بهار ۱۴۰۴ به ۳۲۴ همت کاهش یافته است. این افت فصلی می‌تواند نشان‌دهنده افزایش ریسک‌های اقتصادی، رشد هزینه‌های ساخت، محدودیت‌های اعتباری و کاهش بازدهی پروژه‌های ساختمانی باشد و هشدار جدی برای ادامه روند بازار تلقی شود.

کاهش فعالیت‌ها و اثرات اقتصادی

کاهش ساخت‌وساز تنها یک چالش بخشی نیست، بلکه پیامدهای آن دامنه‌ای گسترده بر اقتصاد کشور دارد. بخش ساختمان به دلیل ارتباط مستقیم با صنایع بالادستی و پایین‌دستی، از پیشران‌های کلیدی رشد اقتصادی محسوب می‌شود. رکود در این حوزه به معنای افت تقاضا برای محصولاتی چون سیمان، فولاد، کاشی، شیشه و خدمات فنی و مهندسی است و می‌تواند کاهش تولید و اشتغال در این صنایع را به دنبال داشته باشد. از سوی دیگر، سهم قابل توجهی از اشتغال غیررسمی و روزمزد

کشور در حوزه ساخت‌وساز متمرکز است، بنابراین افت پروژه‌های ساختمانی مستقیماً به افزایش بیکاری و کاهش درآمد خانوارهای وابسته منجر می‌شود. اثر کاهش صدور پروانه‌های ساختمانی بر عرضه آتی مسکن نیز قابل توجه است. کاهش تعداد مجوزهای جدید به معنای کاهش واحدهایی است که در سال‌های آینده وارد بازار خواهند شد. در شرایطی که تقاضای مصرفی برای مسکن همچنان بالاست و فشار بر بازار اجاره محسوس است، محدود شدن عرضه می‌تواند زمینه‌ساز افزایش بیشتر قیمت‌ها و اجاره‌بها شود. رکود ساخت‌وساز ممکن است در کوتاه‌مدت به کاهش فعالیت اقتصادی بینجامد، اما در میان‌مدت عاملی برای تشدید عدم تعادل در بازار مسکن خواهد بود.

کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نیز بر کیفیت و تنوع پروژه‌های ساختمانی تأثیر می‌گذارد. در دوره‌های رکودی، سازندگان معمولاً به پروژه‌های کوچک‌تر و کم‌ریسک‌تر روی می‌آورند و از اجرای طرح‌های بزرگ یا بلندمدت خودداری می‌کنند. این رفتار احتیاطی، هرچند از منظر مدیریت ریسک قابل درک است، اما ظرفیت تولید مسکن در مقیاس انبوه را محدود می‌کند.

آمارهای جدید نشان می‌دهد بخش ساختمان هم‌زمان با کاهش صدور پروانه، افت سرمایه‌گذاری فصلی و افزایش نااطمینانی مواجه است. ادامه این روند نه‌تنها بر رشد اقتصادی و اشتغال اثرگذار خواهد بود، بلکه می‌تواند عرضه مسکن را کاهش و فشار قیمتی در بازار را تشدید کند، موضوعی که ضرورت بازنگری در سیاست‌های حمایتی، تسهیل تأمین مالی سازندگان و ایجاد ثبات در متغیرهای کلان اقتصادی را بیش از پیش برجسته می‌سازد.



علیرضا عباسی

کارشناس اقتصادی

رکود تورمی گریبانگیر اقتصاد ملی

اقتصاد ایران در سال‌های اخیر با پدیده‌ای دشوار و پیچیده مواجه شده است: رکود تورمی. وضعیتی که در آن هم قدرت خرید خانوار کاهش یافته و هم سطح عمومی قیمت‌ها روندی صعودی و پایدار تجربه می‌کند. در چنین شرایطی، سیاست‌گذار تنها قادر است سرعت افزایش قیمت‌ها را کنترل کند و مهار کامل تورم تا زمانی که گشایش جدی در تحریم‌های اقتصادی رخ ندهد، ممکن نخواهد بود. برای مدیریت تورم، نخست باید ساختار واقعی اقتصاد کشور به دقت شناخته شود. اقتصاد ایران به شدت به نرخ ارز وابسته است و هر نوسانی در این بازار به سرعت در قیمت کالاها، به‌ویژه مواد غذایی و کالاهای اساسی، منعکس می‌شود. اقدام دولت در حذف ارز ترجیحی از واردات، هرچند اقدامی ضروری برای کاهش رانت و سوءاستفاده بود، به افزایش طبیعی قیمت برخی کالاها انجامید؛ زیرا قیمت‌ها به واقعیت اقتصادی نزدیک‌تر شدند و سیاست‌های مصنوعی پیشین که سطح قیمت‌ها را پایین نگه می‌داشتند، کنار رفتند.

تحریم‌های شدید اقتصادی، کاهش صادرات نفت و محدودیت دسترسی به درآمد‌های ارزی، هزینه اداره اقتصاد را افزایش داده است. محدودیت منابع ارزی واردات مواد اولیه و کالاهای ضروری را گران کرده و تولید داخلی نیز از این فشار مستثنی نیست. بسیاری از کارخانه‌ها وابسته به مواد اولیه وارداتی یا ماشین‌آلات خارجی هستند و افزایش نرخ ارز، هزینه تأمین، تعمیر و استهلاک تجهیزات را بالا برده و در نتیجه قیمت تمام‌شده تولید داخلی افزایش یافته است. تورم بالا پیامدهای قابل توجهی برای بنگاه‌ها داشته است. اگرچه ارقام حسابداری بزرگ‌تر به نظر می‌رسد، سود عملیاتی واقعی کاهش یافته و بسیاری از شرکت‌ها سود خود را ناچیز یا حتی منفی تجربه می‌کنند، زیرا افزایش سطح قیمت‌ها ارزش واقعی درآمد‌ها را کاهش می‌دهد. ارزش دلاری سرمایه‌گذاری‌ها کاهش یافته و بخش قابل توجهی از سود فعالیت اقتصادی از بین رفته است. در این فضای اقتصادی، خانوارها بخش مهمی از پس‌انداز خود را به پناهگاه‌های ارزی مانند دلار و رمزارزها هدایت کرده‌اند و نگرانی نسبت به آینده اقتصادی سبب کاهش سرمایه‌گذاری سنتی در زمین و مسکن شده است. بازار املاک که معمولاً موتور محرک اقتصاد است، وارد رکود عمیق شده و نقش خود در تحریک فعالیت اقتصادی را از دست داده است. حذف ارز ترجیحی، قیمت کالاهای اساسی را واقعی‌تر کرده و رانت‌های گسترده را کاهش داده است. اقتصاد ایران امروز به اخبار بین‌المللی حساس است؛ هر نشانه کاهش تنش‌ها یا احتمال توافق می‌تواند انتظارات تورمی را تعدیل و بازارها را آرام کند. کاهش پایدار تورم تنها با هم‌زمانی اصلاحات داخلی، انضباط پولی و مالی و بهبود روابط اقتصادی خارجی ممکن است. چشم‌انداز اقتصاد کشور متکی بر تقویت منابع ارزی و سیاست‌های مدیریت مالی هوشمندانه است و در صورت تحقق این شرایط، می‌توان به کاهش تدریجی تورم و بازگشت ثبات به بازارها امیدوار بود.

کاهش هم‌زمان تولید، افت سفارش‌ها و محدودیت نقدینگی

کاهش هم‌زمان تولید، افت سفارش‌ها و محدودیت نقدینگی نشان می‌دهد رکود اقتصادی دیگر مقطعی نیست و بنگاه‌ها با فشارهای ساختاری و بی‌اعتمادی نسبت به آینده مواجه هستند